

Rentier Economy and the Smart Sanctions System

A Case Study of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Ali Shirkhani

Professor Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences,
Tehran University, Tehran, Iran, shirkhni@ut.ac.ir

Seyed Mostafa Hosseini pour

Ph.D Student, Department of International Relations F, aculty of Law and Political
Sciences, Tehran University, Tehran, Iran, m.hosseini@ut.ac.ir

Abstract

Rentier economies, as a kind of economy which is highly dependent to foreign sources of income, have features that distinguish them from other economic structures and make them easier target for various sanction pressures. Iran's oil-rent-based economy has experienced many types of sanctions during four decades after Islamic Revolution for various reasons, including the conflicts with the United States and the nuclear dispute. The sanctions which have been trend to smart process in geographical, monitoring, regulatory, and thematic forms to be more effective. So what will be consider in this article is; "Does Iran's rentier economy has made smart sanctions more effective?" Based on this, it is assumed that the rent structure of Iran's economy has played an effective and key role in the intelligence and effectiveness of sanctions. To test this hypothesis, while examining the rent indicators of the country's economy and the smart sanctions proceeding, the effects and reactions of these two variables are evaluated by using a descriptive-analytical method.

Keywords: *Rentier Economy, Rentier State, Sanction, Smart Sanctions*

اقتصاد رانتیر و نظام تحریم‌های هوشمند: مطالعه موردی ج.ا.ایران^۱

محمدعلی شیرخانی

استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
shirkhni@ut.ac.ir

سید مصطفی حسینی‌پور

دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
m.hosseini@ut.ac.ir

چکیده

اقتصادهای رانتیر وابستگی زیادی به منابع درآمدی خارجی دارند و دارای ویژگی‌هایی هستند که آنها را از دیگر ساختارهای اقتصادی معمول، متمایز و به اهداف آسان‌تری برای اعمال فشارهای مختلف تحریمی بدل می‌سازد. اقتصاد متکی به رانت نفتی ایران طی سال‌های پس از انقلاب بنا به دلایل مختلف؛ از جمله تخصیص با ایالات متحده آمریکا و مناقشه هسته‌ای، تحریم‌هایی را تجربه کرده که روند هوشمندی را در اشکال جغرافیایی، نظارتی و موضوعی برای اثرگذاری بیشتر شاهد بوده است؛ لذا این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که «آیا اقتصاد رانتیر ایران باعث اثرپذیری بیشتر تحریم‌های هوشمند شده است؟». فرضیه پژوهش حاضر اینست که ساختار رانتی اقتصاد ایران نقشی مؤثر و پررنگ در هوشمندی و بالطبع مؤثر شدن تحریم‌ها داشته است. به‌منظور راستی‌آزمایی این فرضیه، ضمن بررسی شاخصه‌های رانتی اقتصاد کشور و سیر هوشمند شدن تحریم‌ها، اثرات و واکنش این دو متغیر با استفاده از روش توصیفی – تحلیلی ارزیابی شده است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد رانتی، تحریم، تحریم هوشمند، دولت رانتیر

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۹ تاریخ بازبینی: ۹۹/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۲

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۱۷-۲۴۴

مقدمه

از زمان حمله به سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ (۴ نوامبر ۱۹۷۹) _ که به صدور بیانیه ۱۲ نوامبر از سوی «جیمی کارتر»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، مبنی بر ممنوعیت واردات نفت خام و فرآورده‌های نفتی ایران به ایالات متحده و سپس فرمان اجرایی شماره «۱۲۱۷۰»، مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹، حاوی انسداد دارایی‌های دولت ایران در قلمرو قضایی ایالات متحده انجامید _ تا به امروز که شاهد سخت‌ترین تحریم‌ها در پایان ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» هستیم، نفت و گاز و درآمدهای ناشی از آن، همواره در مرکز توجه این تحریم‌ها بوده است.

ممانعت از حضور شرکت‌های نفتی بین‌المللی، فروش خدمات فنی، محدودیت سرمایه‌گذاری، تعمیم این ممنوعیت‌ها به کشورهای ثالث، تحریم مشتریان نفتی، بستن مسیرهای انتقال درآمدهای نفت و فرآورده‌های آن، به‌عنوان روشی هدفمند، به سیاستی مستمر تبدیل شده است. مسیری که به فراخور زمان و نیازهای تحریمی از حیث شمول جغرافیایی، موضوعی و همچنین کاربرد ابزارها و مراکز نظارتی و کنترلی، دامنه وسیعی یافته و به جایی رسیده که جملگی در ابعاد سیاسی، حقوقی، فنی و فناوری در هماهنگی با یکدیگر کار می‌کنند و موانع جدی در فروش نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی ایران و تحصیل درآمدهای آن ایجاد کرده است. درآمدهایی که برابر آمارهای اقتصادی منتشر شده در چهار دهه پس از انقلاب، عمده منبع تأمین ارز بوده و به‌عنوان بخش مهمی از بودجه، صرف تأمین هزینه‌ها شده است.

فصل مشترک بودن نفت و گاز در روند طولانی تحریم از یک‌سو و همچنین

نقش عایدات نفتی در مصارف کلان اقتصادی، واجد ارتباطی معنادار بین این دو متغیر است و این پرسش را در ذهن متبادر می‌کند که «رابطه بین اقتصاد رانتیر و نظام تحریم‌های هوشمند چیست و آیا رانتیر بودن اقتصاد ایران باعث اثرپذیری بیشتر تحریم‌ها شده است؟» به همین منظور و برای یافتن پاسخ مناسب، به ترتیب: رانتیر بودن اقتصاد ایران، روند هوشمندسازی تحریم‌ها و اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد رانتی از طریق تمرکز بر جلوگیری از کسب این رانت بررسی می‌شود.

با توجه به اهمیت و سابقه طولانی موضوع، مقالات، کتاب‌ها و پژوهش‌های زیادی در خصوص رانت و تحریم و با ابعاد مختلف نگاشته شده، اما نگاه از بُعد اقتصاد رانتی به تحریم‌ها، نگاهی تازه است.

۱. مبانی نظری و مفهومی

۱-۱. اقتصاد رانتیر

«اقتصاد و دولت رانتیر»^۱ نظریه تکوین شده‌ای از نظریات کلاسیک رانت است که به منظور توصیف و تحلیل اقتصاد کشورهای نفتی از حدود نیم قرن پیش مورد استفاده قرار گرفته است. «مالتوس»^۲ و «ریکاردو»^۳ از رانت کشاورزی بحث کرده و معتقد بودند که محدودیت زمین‌های قابل کشت و بالا رفتن تقاضا برای محصول، به علت رشد سریع جمعیت، درآمد اجاره صاحبان زمین‌های کشاورزی مرغوب را نسبت به زمین‌های کشاورزی نامرغوب که بعداً زیر کشت می‌روند افزایش می‌دهد (Park, 2014: 91).

حسین مهدوی، به عنوان مبدع مفهوم مدرن «دولت و اقتصاد رانتیر»، آن را اقتصادی دانسته که عمده درآمد خود را از منابع خارجی و از محل عواید حاصل از فروش منظم مواد معدنی و خام به دست می‌آورد، نه محصولات تولیدی و صنعتی (Mahdavy, 1970: 428). «حازم بیلای» به پیروی از مهدوی ویژگی‌های اقتصاد رانتیر را چنین عنوان می‌کند: ۱. رانت تنها منبع درآمدی اقتصاد نیست، ولی

1. Rentier State / Rentier Economy

2. Thomas Malthus

3. David Ricardo

حتماً بخش عمده آن را در بر می‌گیرد؛ ۲. اقتصاد به رانت قابل توجه خارجی متکی است و لذا به بخش تولیدی داخلی قوی نیازی ندارد؛ ۳. بخش کمی از جمعیت در تولید رانت نقش دارند و بقیه فقط در توزیع یا استفاده آن مشارکت دارند؛ ۴. دولت، اصلی‌ترین دریافت‌کننده رانت خارجی و هزینه‌کننده آنست (Beblawi & Luciani, 1987: 12). همچنین «لوسیانی» تأکید دارد هر کشوری که بیش از ۴۰ درصد از درآمدهای آن ناشی از رانت و فروش مواد خام و مواد معدنی باشد، رانتیر محسوب می‌شود (Beblawi & Luciani, 1987: 13).

۲-۱. تحریم هوشمند

کاربرد «تحریم هوشمند»^۱ به دهه ۱۹۹۰ میلادی بر می‌گردد. زمانی که بسیاری از محافل سیاسی و مطالعاتی جهان در خصوص نتایج اقدامات و فجایع تحریمی عراق و اثرات نامطلوب و غیر ضروری آن روی افراد عادی حساس شده و کارایی آنها را بر اهداف واقعی که دولت‌ها و سیاستمداران متخاصم بود مورد تردید قرار دادند (Gordon, 2010: 1)؛ لذا روی اعمال مجازات‌های هوشمند با هدف ضربه زدن مستقیم به عاملان واقعی تمرکز شد. گرچه نگاه نخستین این مباحث، کاهش آلام بی‌گناهان بود، برخی نظرات و تفاسیر ابراز شده بعدی، میدان عمل وسیع‌تری را برای پیگیری‌کنندگان چنین تحریم‌هایی ایجاد کرد. به‌عنوان مثال «کامپفر»، «لوونبرگ» و «کریشنر» منطق تحریم هوشمند را درک اقتصاد سیاسی داخلی کشور هدف برای افزایش فشار و احتمال موفقیت آن ذکر می‌کنند (Kaempfer & Lowenberg 1992; Krishner 1997). «ریچارد نیوکامب»^۲ معتقد است که برای اجرای یک تحریم هوشمند موفق، همراهی و متقاعد کردن دیگر مشارکت‌کنندگان ضروری است و با توجه به فقدان تجربه دیوان‌سالاری، نهادها و ابزار لازم در کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، باید نسبت به ایجاد آنها اقدام نمود (International Studies Review 2003, 5: 107). «ریچارد نفیو»^۳ نیز یک تحریم

1. Smart / Targeted Sanction.

2. Richard Newcomb.

3. Richard Nephew.

موفق را مجموعه‌ای از قوانین، اختیارات و الزامات می‌داند که با هدف محدود کردن و پیشگیری از یک رفتار غالباً اجتناب‌پذیر، برای دستیابی به اهدافش، نیاز به سنجش و بررسی مستمر نتایج دارد (نفیو، ۱۳۹۷: ۸).

بر این اساس می‌توان چهار شاخصه کلی را برای تحریم هوشمند در نظر گرفت: ۱. تمرکز بر هدف و موضوعات خاص؛ ۲. تدوین قوانین و مقررات ترمیم شوند؛ ۳. به‌کارگیری ابزار متنوع نظارتی و ارزیابی و ۴. گسترش محدوده اجرایی و اجماع‌سازی؛ ویژگی‌هایی که تحریم‌کنندگان ایران با درک اقتصاد متکی به درآمدهای حاصل از تولید و فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، در روندی طولانی و مستمر از آنها برای فشار و ایجاد درد بیشتر و رسیدن به اهداف خود بهره جستند.

۲. اقتصاد رانتیر ایران

اولین مفروض ما اینست که اقتصاد ایران اقتصادی رانتی و وابسته به درآمدهای نفتی است. برابر تعریف ارائه شده، چنانچه بیش از ۴۰ درصد درآمدها، ناشی از فروش و صادرات یک ماده خام معدنی _نفت_ از منبع خارجی باشد، چنین نظام اقتصادی را می‌توان رانتیر اطلاق کرد. برای رسیدن به این فرض، آمار تولید، صادرات و درآمدهای ارزی نفتی ایران طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸، استخراج و در جدول ۱ نشان داده شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این چهار دهه، علی‌رغم فراز و نشیب‌های فراوان، ایران روزانه به‌طور متوسط ۳ میلیون و ۳۳۸ هزار بشکه نفت تولید کرده که از این میزان حدود ۲ میلیون و ۱۰۴ هزار بشکه صادر شده و بقیه به مصرف داخلی و تولید فرآورده رسیده است. کمترین رقم تولید ۱ میلیون و ۴۴۰ هزار بشکه بوده که مربوط به سال ۱۳۶۰ است و بالاترین آن هم مربوط به سال ۱۳۸۶ است که در آن میانگین ۴ میلیون و ۵۷۰ هزار بشکه تولید شده است (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۸: ۳۸). از این میزان متوسط صادرات کلی، روزانه ۲ میلیون و ۱۰۴ هزار بشکه بوده که کمترین میزان در سال ۱۳۵۹ با ۹۱۱ هزار و بیشترین آن ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار در سال ۱۳۸۳ بوده است.

(اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۸: ۳۲). متوسط قیمت نفت در این سال‌ها، حدود ۴۱٫۱ دلار بوده که سالانه درآمد متوسط تقریبی ۳۴ میلیارد و ۴۷۶ میلیون دلاری را رقم زده است. هر چند این درآمدها به‌عنوان تابعی از حجم صادرات و قیمت نفت نوسان داشته و در سال ۱۳۶۵ با ۵٫۹۴۵ میلیون دلار به‌عنوان کمترین و سال ۱۳۹۰ با ۱۱۸٫۸۶۱ میلیون دلار بیشترین رقم را ثبت کرده است، همواره درآمد قابل توجهی بوده که به‌صورت منظم به‌عنوان منبع اصلی بودجه، وارد خزانه بانک مرکزی شده است (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۹۰: ۵۶).

جدول ۱. تولید، صادرات و درآمدهای نفتی ایران

سال (شمسی)	سال (میلادی)	تولید نفت (هزار بشکه)	صادرات نفت (هزار بشکه)	متوسط قیمت نفت (دلار)	درآمدهای نفتی (میلیون دلار)
۱۳۵۸	۱۹۷۹	۳۴۲۰	۲۸۶۷	۲۹	۱۷۳۰۰
۱۳۵۹	۱۹۸۰	۱۴۷۰	۹۱۱	۳۵	۱۱۶۳۰
۱۳۶۰	۱۹۸۱	۱۴۴۰	۹۳۱	۳۴	۱۱۵۵۰
۱۳۶۱	۱۹۸۲	۲۵۰۰	۱۸۶۷	۳۲	۲۱۸۰۶
۱۳۶۲	۱۹۸۳	۲۷۰۰	۲۱۰۲	۲۹	۲۲۲۴۹
۱۳۶۳	۱۹۸۴	۲۳۷۰	۱۶۷۴	۲۸	۱۷۱۰۸
۱۳۶۴	۱۹۸۵	۲۵۰۰	۱۵۱۴	۲۷	۱۴۹۲۰
۱۳۶۵	۱۹۸۶	۲۱۷۰	۱۲۵۵	۱۳	۵۹۴۵
۱۳۶۶	۱۹۸۷	۲۴۶۰	۱۵۴۶	۱۷	۹۵۹۰
۱۳۶۷	۱۹۸۸	۲۵۵۰	۱۶۴۷	۱۴	۸۴۱۰
۱۳۶۸	۱۹۸۹	۲۹۴۰	۱۸۷۵	۱۷	۱۲۰۳۷
۱۳۶۹	۱۹۹۰	۳۱۰۰	۲۲۸۴	۲۲	۱۷۹۹۳
۱۳۷۰	۱۹۹۱	۳۳۶۰	۲۵۵۹	۱۸	۱۶۰۱۲
۱۳۷۱	۱۹۹۲	۳۴۸۰	۲۴۹۵	۱۸	۱۶۸۸۰
۱۳۷۲	۱۹۹۳	۳۵۵۰	۲۳۱۰	۱۶	۱۴۳۳۳
۱۳۷۳	۱۹۹۴	۳۶۵۰	۲۳۵۰	۱۵	۱۴۶۰۳
۱۳۷۴	۱۹۹۵	۳۷۲۰	۲۴۶۵	۱۶	۱۵۱۰۳
۱۳۷۵	۱۹۹۶	۳۶۱۰	۲۶۳۰	۲۰	۱۹۲۷۱
۱۳۷۶	۱۹۹۷	۳۷۲۰	۲۵۶۵	۱۸	۱۵۴۷۱
۱۳۷۷	۱۹۹۸	۳۶۰۰	۲۴۱۰	۱۲	۹۹۳۳
۱۳۷۸	۱۹۹۹	۳۷۲۰	۲۲۷۶	۱۷	۱۷۰۸۹
۱۳۷۹	۲۰۰۰	۳۷۷۰	۲۵۲۰	۲۷	۲۴۲۸۰
۱۳۸۰	۲۰۰۱	۳۶۸۰	۲۴۲۰	۲۳	۱۹۳۳۹
۱۳۸۱	۲۰۰۲	۳۳۰۰	۲۲۹۰	۲۴	۲۳۹۶۶
۱۳۸۲	۲۰۰۳	۳۷۳۰	۲۶۷۰	۲۸	۲۷۳۵۵
۱۳۸۳	۲۰۰۴	۳۸۳۰	۲۸۰۰	۳۶	۳۶۳۱۵

۵۵۷۹۱	۵۰	۲۸۴۰	۴۱۰۰	۲۰۰۵	۱۳۸۴
۶۴۶۶۵	۶۱	۲۶۹۰	۴۵۲۰	۲۰۰۶	۱۳۸۵
۸۴۵۰۵	۷۰	۲۶۸۰	۴۵۷۰	۲۰۰۷	۱۳۸۶
۸۶۶۱۹	۹۴	۲۴۶۸	۴۳۲۰	۲۰۰۸	۱۳۸۷
۶۹۹۷۵	۶۰	۲۱۶۰	۴۲۱۰	۲۰۰۹	۱۳۸۸
۹۰۱۹۱	۷۷	۲۱۰۰	۴۳۵۰	۲۰۱۰	۱۳۸۹
۱۱۸۸۶۱	۱۰۷	۲۱۲۰	۳۷۴۰	۲۰۱۱	۱۳۹۰
۶۸۱۳۵	۱۰۹	۱۹۱۰	۳۷۵۰	۲۰۱۲	۱۳۹۱
۶۴۷۸۹	۱۰۵	۱۷۰۵	۳۵۵۰	۲۰۱۳	۱۳۹۲
۵۵۴۰۶	۹۶	۱۴۶۰	۳۰۶۰	۲۰۱۴	۱۳۹۳
۳۱۸۴۸	۴۹	۱۶۱۰	۳۳۲۰	۲۰۱۵	۱۳۹۴
۵۵۷۵۲	۴۰	۲۲۷۰	۳۷۶۰	۲۰۱۶	۱۳۹۵
۶۵۸۱۸	۵۲	۲۵۴۰	۳۸۴۰	۲۰۱۷	۱۳۹۶
نامشخص	۶۹	۱۵۰۰	۳۹۰۰	۲۰۱۸	۱۳۹۷
نامشخص	۶۴	۱۰۰۰	۲۳۵۰	۲۰۱۹	۱۳۹۸

(منبع: بانک مرکزی؛ خلاصه تحولات اقتصادی کشور، سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۹۸)

در جدول ۲ و به منظور ارائه تصویری واضح‌تر از میزان وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی، ارقام بودجه‌های مصوب قانونی طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸) همراه با آمار درآمدهای محقق شده کل کشور توسط بانک مرکزی؛ درآمدهای ریالی نفتی سالانه و سهم نفت در بودجه محقق شده آورده شده است (سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸). چنانچه به این آمار و اعداد دقت شود، مشاهده می‌گردد که سهم نفت از میزان بودجه محقق شده سالانه بسیار بالا بوده است. طی این سال‌ها (به جز سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸) به صورت متوسط، رقمی حدود ۶۷,۳ درصد از کل درآمد بودجه قانونی توسط بانک مرکزی محقق شده است که کمترین آن مربوط به سال ۱۳۶۵ با ۴۱ درصد و بالاترینش در سال ۱۳۷۵، با ۹۳,۷ درصد می‌باشد (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل).

همان‌طور که در ستون‌های ششم و هفتم جدول شماره دو ملاحظه می‌شود، سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای بودجه مکتسبه بانک مرکزی، به صورت میانگین حدود ۴۶,۹ درصد بوده است که بیشترین آن ۷۳,۷ و ۷۳,۴ درصد به ترتیب در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۷۳ و پایین‌ترین آن مربوط به سال ۱۳۷۱ با رقم ۱۰,۷ درصد می‌باشد (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل). جالب اینکه در تقریباً نیمی از

این چهار دهه، سهم درآمد نفتی در بودجه بالاتر از ۵۰ درصد بوده است. به‌هرحال برآیند نهایی سهم نفت تا سال ۱۳۹۷ در بودجه ۴۶,۹ درصد می‌باشد که حدود ۵ درصد از حد نصاب ۴۲ درصد تعیین شده برای اقتصاد رانتیر بیشتر است (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل)؛ لذا با چنین ارقامی، رانتیر بودن اقتصاد ایران به وضوح قابل مشاهده است و نشان می‌دهد که اقتصاد آن تا چه حد وابسته و متأثر از صادرات و فروش نفت و تأمین ارز خارجی است.

با چنین پیش‌درآمدی، در بخش‌های بعد، موضوع هوشمندی تحریم و اینکه اقتصاد رانتی ایران چگونه بسترساز تحریم‌ها بوده و به هوشمندی و اثرگذاری آن کمک کرده است ارزیابی خواهد شد.

جدول ۲. سهم درآمدهای نفتی در بودجه محقق شده سالیانه (بر حسب میلیارد ریال)

سال	بودجه کل در قانون	درآمد بودجه در قانون	درآمد محقق شده بودجه	تحقق بودجه	درآمد نفتی محقق شده	سهم نفت در بودجه محقق شده
۱۳۵۸	۲۴۶۳	۲۳۵۸	۱۶۵۵	٪ ۷۰,۱	۱۲۲۰	٪ ۷۳,۷
۱۳۵۹	۲۸۹۳	۲۷۰۷	۱۲۴۱	٪ ۴۵,۸	۸۸۹	٪ ۷۱,۶
۱۳۶۰	۳۱۶۵	۳۰۳۷	۱۵۰۸	٪ ۴۹,۶	۹۳۷	٪ ۶۲,۱
۱۳۶۱	۳۱۰۴	۲۹۷۷	۲۱۹۱	٪ ۷۳,۶	۱۵۶۳	٪ ۷۱,۳
۱۳۶۲	۵۸۱۶	۳۷۲۷	۲۴۰۶	٪ ۶۴,۵	۱۵۸۵	٪ ۶۵,۸
۱۳۶۳	۶۵۵۰	۴۰۸۷	۲۱۹۵	٪ ۵۳,۷	۱۲۸۲	٪ ۵۸,۴
۱۳۶۴	۶۸۹۲	۴۱۳۲	۲۲۴۷	٪ ۵۴,۴	۱۱۸۸	٪ ۵۲,۸
۱۳۶۵	۷۴۶۵	۴۱۵۷	۱۷۰۷	٪ ۴۱	۴۱۶	٪ ۲۴,۴
۱۳۶۶	۷۴۲۶	۳۹۷۰	۲۱۷۱	٪ ۵۴,۶	۷۶۶	٪ ۳۵,۳
۱۳۶۷	۹۰۰۸	۴۳۹۷	۲۰۸۵	٪ ۴۷,۴	۶۶۷	٪ ۳۲
۱۳۶۸	۹۷۴۱	۴۷۳۴	۳۱۷۴	٪ ۶۷	۷۷۰	٪ ۲۴,۲
۱۳۶۹	۱۳۱۵۶	۶۱۹۱	۵۶۳۲	٪ ۹۰	۱۱۳۳	٪ ۲۰,۲
۱۳۷۰	۲۰۰۹۷	۹۲۷۸	۶۹۳۳	٪ ۷۴,۷	۱۰۲۷	٪ ۱۴,۸
۱۳۷۱	۲۸۹۱۲	۱۲۴۵۱	۹۸۸۴	٪ ۷۹,۴	۱۰۶۰	٪ ۱۰,۷
۱۳۷۲	۵۴۳۹۲	۲۵۴۲۵	۲۰۲۵۰	٪ ۷۰,۶	۹۹۰۸	٪ ۴۸,۹
۱۳۷۳	۶۹۷۷۲	۳۲۳۰۳	۲۹۲۴۴	٪ ۹۰,۵	۲۱۴۷۹	٪ ۷۳,۴
۱۳۷۴	۹۶۱۰۱	۴۶۴۱۰	۴۱۵۷۵	٪ ۸۹,۵	۲۶۶۶۶	٪ ۶۴,۱
۱۳۷۵	۱۳۷۲۴۲	۶۱۱۲۳	۵۷۳۷۵	٪ ۹۳,۷	۳۲۷۴۵	٪ ۵۷,۲
۱۳۷۶	۱۸۸۶۲۲	۷۵۰۶۸	۶۳۳۷۸	٪ ۸۳	۳۶۴۴۶	٪ ۵۸,۴
۱۳۷۷	۲۳۰۴۴۰	۸۱۹۱۹	۵۳۶۲۶	٪ ۶۵,۴	۲۲۶۱۹	٪ ۴۲,۱
۱۳۷۸	۲۷۶۲۱۵	۱۰۹۶۹۹	۹۳۳۱۵	٪ ۸۴,۱	۴۴۴۸۷	٪ ۴۸,۲
۱۳۷۹	۳۶۰۶۶۸	۱۲۷۸۱۶	۱۰۴۶۴۰	٪ ۸۱,۸	۵۹۴۴۸	٪ ۵۶,۸
۱۳۸۰	۴۵۵۹۷۸	۱۶۴۲۶۶	۱۲۵۴۸۰	٪ ۷۶,۴	۷۱۹۵۷	٪ ۵۷,۳
۱۳۸۱	۶۹۳۲۰۲	۲۷۳۲۳۳	۱۶۱۹۷۳	٪ ۵۹,۳	۱۰۲۶۲۶	٪ ۶۳,۳
۱۳۸۲	۹۶۸۲۶۱	۴۳۶۰۲۲	۱۹۶۱۲۲	٪ ۴۵	۱۲۸۱۵۳	٪ ۶۵,۳

۱۳۸۳	۱۱۸۴۵۰۶	۵۹۱۰۱۴	۲۵۱۶۶۸	٪ ۴۲٫۶	۱۵۰۴۱۳	٪ ۵۹٫۷
۱۳۸۴	۱۵۸۹۹۸۹	۵۶۹۷۳۸	۴۶۷۲۵۰	٪ ۸۲	۱۸۶۳۴۲	٪ ۳۹٫۹
۱۳۸۵	۱۹۱۵۱۰۵	۵۸۷۵۹۶	۴۱۳۹۲۷	٪ ۷۰٫۴	۱۸۱۸۸۱	٪ ۴۳٫۹
۱۳۸۶	۲۳۱۶۸۵۶	۶۳۹۵۴۱	۴۷۲۹۹۴	٪ ۷۴٫۳	۱۷۳۵۱۹	٪ ۳۶٫۶
۱۳۸۷	۲۹۳۸۸۴۵	۹۳۹۱۲۲	۵۹۵۶۲۴	٪ ۶۳٫۴	۲۱۵۶۵۰	٪ ۳۶٫۲
۱۳۸۸	۲۷۹۱۸۲۸	۹۶۷۹۰۱	۶۳۰۹۶۳	٪ ۶۵٫۲	۱۵۷۸۱۵	٪ ۲۵
۱۳۸۹	۳۶۸۴۷۰۳	۱۲۷۱۳۳۰	۸۱۸۷۷۳	٪ ۶۴٫۴	۴۳۴۴۸۵	٪ ۵۳
۱۳۹۰	۵۰۸۳۹۳۸	۱۶۹۱۳۲۵	۱۱۱۲۷۴۷	٪ ۶۵٫۵	۵۶۸۲۷۷	٪ ۵۱
۱۳۹۱	۵۶۶۵۶۱۸	۱۶۴۴۱۷۷	۹۹۳۷۲۹	٪ ۶۰٫۴	۴۲۵۵۲۶	٪ ۴۲٫۸
۱۳۹۲	۷۲۷۷۰۶۴	۲۳۶۰۴۸۵	۱۳۲۶۷۸۴	٪ ۵۶٫۲	۶۰۹۴۰۰	٪ ۴۵٫۹
۱۳۹۳	۸۰۳۳۴۸۴	۲۳۵۰۰۸۴	۱۶۰۶۸۰۰	٪ ۶۸٫۴	۶۲۹۲۰۰	٪ ۳۹٫۱
۱۳۹۴	۸۴۷۶۴۱۱	۲۳۶۲۸۱۷	۱۷۹۴۱۰۰	٪ ۷۶	۶۷۰۴۰۰	٪ ۳۷٫۳
۱۳۹۵	۹۷۸۵۵۲۹	۳۳۵۴۸۹۵	۲۱۹۹۵۰۰	٪ ۶۵٫۵	۷۳۸۸۰۰	٪ ۳۳٫۶
۱۳۹۶	۱۱۵۲۴۵۶۵	۳۹۸۸۵۳۱	۲۵۹۴۹۰۰	٪ ۶۵	۹۱۹۲۰۰	٪ ۳۵٫۴
۱۳۹۷	۱۲۲۲۵۵۲۳	۴۴۳۲۶۰۴	نامشخص	نامشخص	نامشخص	نامشخص
۱۳۹۸	۱۷۴۴۳۱۶۰	۴۴۸۵۱۱۱	نامشخص	نامشخص	نامشخص	نامشخص

۳. روند هوشمندسازی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران

بیش از چهار دهه تحریم مستمر علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه نشان می‌دهد که این فشارها روی نقاط خاصی از اقتصاد ایران که نقشی کلیدی در آن دارد طراحی و در روندی تکاملی به پیش برده شده‌اند. نخستین اقدام تحریمی ایالات متحده آمریکا؛ یعنی ممنوعیت خرید نفت خام و توقیف دارایی‌های عمدتاً نفتی بانک مرکزی ایران در نوامبر ۱۹۷۹ را باید امری هدفمند ولی عمدتاً واکنشی دانست که بعدها با گسترده شدن مخاصمات و رنگ باختن امیدها برای هرگونه تفاهم سیاسی میان طرفین، روندی منسجم و هوشمندتر را با استفاده از ابزارهای متنوع پی گرفت. هوشمندسازی تحریم‌ها به صورت فعالانه از آگوست ۱۹۹۶ در چهارچوب یک سیکل شناسایی، نظارت، ارزیابی و ترمیم قابل مشاهده است. از این زمان، ایالات متحده تلاش مجدانه‌ای را برای جلوگیری از تولید، صدور و کسب ارز حاصله از نفت به عنوان شریان اقتصاد رانتهی وجهه همت خود قرار داده و در روندی منسجم، مسیرهای دستیابی به این درآمدها را در قالب قوانین و فرامین متعدد، سخت نموده است. بر همین مبنا می‌توان هوشمندی تحریم‌ها را در سطوح زیر برشمرد.

۳-۱. گسترش محدوده اجرایی تحریم‌ها و اجماع سازی

تا قبل از سال ۱۳۷۵ ش. (۱۹۹۶ م.)، تمامی تحریم‌های اعمال شده از سوی ایالات متحده یک‌جانبه بوده و فقط افراد حقیقی و حقوقی تابع حوزه صلاحیت قضایی این کشور را خطاب قرار می‌داد، اما در این سال (۱۳۷۵ ش.) چرخش مهمی در این سیاست پدید آمد. ایالات متحده با درک اینکه یک‌جانبه بودن تحریم‌ها، اثر و فشار اولیه را به همراه ندارد و ایران عملاً نارسایی‌های فنی و صادراتی ناشی از آن را از طریق مراجعه به مشتریان و بازارهای دیگر جبران کرده، با تصویب قانون «تحریم‌های ایران و لیبی»^۱ در ۲۳ جولای ۱۹۹۶، گام ترمیمی حساب شده‌ای را جهت رفع این نقیصه برداشت. در این قانون کنگره، برخلاف رویه قبلی، شرکت‌ها و اشخاص کشورهای ثالث ناقض تحریم‌ها، مشمول پیگیری و تنبیهات این کشور می‌شدند. هم‌زمان دولت آمریکا برابر بند (الف) بخش چهار این قانون مکلف شد تا از مذاکرات چندجانبه برای همراه کردن دیگر کشورها به رعایت تحریم‌های وضع شده استفاده کند (Congress, 1996: H.R. 3107). بعد از قانون مذکور، تمامی قوانین و فرامین تحریمی؛ از جمله «فرمان اجرایی ۱۳۰۵۹»، نوزدهم آگوست ۱۹۹۷ و قانون تحریم جامع ایران/آیسا^۲، مورخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶، وجه فراسرزمینی یافته و با صدور نه قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت که در نتیجه مناقشه هسته‌ای و با تلاش وافر ایالات متحده صورت گرفت، گستره‌ای جهانی یافت. بسط شمول تحریم‌ها، از مؤثرترین اقدامات آمریکا بوده که علی‌رغم باقی بودن «توافق‌نامه برجام» و بازگشت صرف تحریم‌های یک‌جانبه از سوی دولت دونالد ترامپ، اثر خود را به وضوح نشان داده است.

۳-۲. به‌کارگیری و گسترش ابزار نظارتی و ارزیابی

کاربرد ابزار نظارت و ارزیابی، با هدف شناسایی نقایص اجرای تحریم‌ها، از دیگر روش‌های هوشمندسازی بوده است. این نظارت و ارزیابی شامل شبکه‌ای وسیع و هماهنگ از ارگان‌های نظارتی داخلی و بین‌المللی بوده که نظام

1. Iran-Libya Sanction Act (ILSA).

2. Iran Sanctions Act (ISA).

گزارش‌دهی/گیری، تحلیل، ارائه راهکار و به‌روزرسانی قوانین و مقررات، وظیفه اصلیش است. به‌عنوان نمونه، بند (ب) بخش چهار «قانون ایلسا» ارائه گزارشات دوره‌ای سالیانه از روند اثرگذاری تحریم‌ها را به کنگره اجباری کرد؛ تأکیدی که در تمام قوانین بعدی دیده می‌شود (Congress, 1996: H.R. 3107). بر همین اساس، علاوه بر تقویت بخش‌های مرتبط وزارتخانه‌های خارجه و خزانه‌داری مثل دفتر کنترل دارایی‌های خارجی^۱ و بعدها گروه اقدام ایران^۲، ارگان‌های دیگری؛ ازجمله کمیته روابط خارجی «سنا» و مجلس نمایندگان، دفتر اطلاعات ملی^۳، آژانس اطلاعات مرکزی، دفتر اطلاعات مالی و تروریسم^۴ و بسیاری دیگر، در آن دخیل بودند. هم‌زمان ارگان‌های نظارتی بین‌المللی؛ نظیر کمیته نظارت شورای امنیت ذیل ماده (۸) «قطعنامه ۱۷۳۷» (UNSC RES, 1737, 2006)، پنل کارشناسان ذیل ماده (۲۹) «قطعنامه ۱۹۲۹» (UNSC RES, 1929, 2010) و کارگروه نظارت کمیسیون اتحادیه اروپایی شکل داده شدند. به این فهرست باید مراکز غیر رسمی؛ همچون بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها^۵، اتحاد علیه ایران اتمی^۶ و دیده‌بان ایران^۷ را اضافه کرد. این بخش‌ها، مجموعاً شبکه نظارتی قوی به همراه انبوهی از اطلاعات دقیق فراهم می‌آورد که ایالات متحده را قادر می‌ساخت با استفاده از فناوری روز، به‌سرعت اثرات تحریم در ابعاد مختلف و راه‌های دور زدن آنها را شناسایی و خلأهای موجود را برطرف کند.

۳-۳. تمرکز و ترمیم موضوعی

وجه دیگر هوشمند شدن تحریم‌ها، تمرکز بر موضوعات خاص بوده که به مرور زمان جزئی‌تر شده‌اند. قطع یا کاهش درآمدهای نفتی، عمده‌ترین هدف تحریم

1. Office of Foreign Assets Control (OFAC).

2. Iran Action Group, U.S Department of State.

3. Office of National Intelligence (ONI)

4. Office of Terrorism and Financial Intelligence (TFI)

5. The Foundation for Defense of Democracies (FDD).

6. United Against Nuclear Iran (UANI).

7. Iran Watch, Tracking Iran's Unconventional Weapon Capabilities.

برای ایجاد فشار و تغییر در سیاست‌ها بوده است؛ لذا برای تحقق آن اقدامات مختلفی واجد ترتیبی موضوعی نیز صورت گرفته است. زنجیره‌ای از تحریم خرید نفت، ارائه دانش فنی، تجهیزات و فناوری در صنایع بالادستی و پایین دستی؛ مثل اکتشاف، استخراج و پالایش و به مرور و در نتیجه یک مسیر شناسایی و ترمیم؛ موضوعاتی نظیر سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری، حمل و نقل نفتی، بازاریابی و فروش، جابجایی و ذخایر ارزی، تعاملات بانکی، دلار، یورو، طلا، الماس و فلزات گرانبها را در بر گرفته و نهایتاً با تحریم ریال در سال ۲۰۱۳، تقریباً کامل شد. بسته منسجم تحریمی که تولید، صدور و درآمدهای نفتی ایران را به پایین‌ترین سطح رسانده و انتقال ارز را به داخل کشور از طرق معمول، متوقف کرد.

۴. اقتصاد رانتیر بستر ساز تحریم‌های هوشمند

ترتیب و تمرکز تحریم‌ها علیه ایران، نشانگر ارتباط تنگاتنگ آن با شرایط اقتصاد رانتی است. آشکار بودن نیازهای درآمدی ایران به صدور نفت و کسب منظم رانت، آن را به هدفی نه‌چندان مشکل برای واضعان تحریم تبدیل کرده است. بزرگ‌ترین نقطه ضعف اقتصاد رانتیر، تأمین کردن بودجه‌ای و هزینه‌ای از محل رانت خارجی است که اولین و جدی‌ترین نقطه آسیب‌پذیر نیز محسوب می‌شود؛ لذا آنچه صورت هوشمندی به تحریم‌ها می‌دهد، شرایط کنش و واکنش آن با اقتصاد رانتیر است. در طول تحریم‌ها چهار بازه زمانی یا نقطه عطف وجود دارد که نشان می‌دهد ملزومات و ویژگی اقتصاد رانتی چگونه بستر ساز هوشمندی و اثرگذاری بیشتر تحریم‌ها بوده است.

۴-۱. فشار بر تولید و صادرات نفت با ابزار یک‌جانبه (نوامبر ۱۹۷۹ تا جولای ۱۹۹۶)

برابر آمار (مندرج در جدول شماره یک)، ایران در سال ۱۹۷۹م. (۱۳۵۸ش.)، حدود ۳ میلیون و ۴۳۰ هزار بشکه نفت تولید داشته که حدود ۲ میلیون و ۸۵۰ هزار بشکه از آن صادر می‌شده است. اشغال سفارت آمریکا در تهران و گروگان‌گیری کارکنان آن منجر به ممنوعیت واردات نفت به عنوان اولین واکنش

ایالات متحده_ و سپس تلاش برای کاهش تولید نفت از طریق قطع کمک‌های فنی و پشتیبانی‌های تکنولوژیکی طی «فرمان ۱۲۲۰۵» در ۷ آوریل ۱۹۸۰ شد (Executive Order 12205, 1980). با این اقدام، واردات روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت از ایران (The New York Times, 1979) و متعاقباً حمایت‌های فنی متوقف شد. این ممنوعیت‌ها و بعدتر شروع جنگ عراق علیه ایران، منجر به تولید حدود یک و نیم میلیون بشکه نفت و صادرات ۹۰۰ هزار بشکه در روز شد؛ روندی که تا سال ۱۹۸۳ م. (۱۳۶۲ ش.) ادامه داشت.

با این حال، ایران موفق شد با استفاده از اقدامات جایگزین، طی سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ م. (۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ ش.) تولید را روزانه به سقف دو و نیم میلیون صادرات را به حدود یک و نیم میلیون بشکه برساند (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل). این ارقام با اتمام جنگ و تمرکز بر روی توان تولیدی تا سال ۱۹۹۵ م. (۱۳۷۴ ش.) به بیش از ۳ میلیون و ۷۲۰ هزار برای تولید و ۲ میلیون و ۴۶۵ هزار برای صادرات رسید (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل: ۱۷). رساندن تولید و صادرات به قبل از شروع تحریم یک‌جانبه، نشانه‌ای از بی‌اثر شدن تحریم‌ها بود؛ لذا ایالات متحده سعی کرد با صدور و اجرایی کردن دو فرمان «۱۲۹۵۷» و «۱۲۹۵۹» در ۱۵ مارس و ۶ می ۱۹۹۵، شامل ممنوعیت تمام فعالیت‌های نفتی و تکنولوژیکی درباره ایران، پاسخی جبرانی به این روند داشته باشد.

۴-۲. منع دسترسی به سرمایه و فناوری جایگزین (اوت ۱۹۹۶ تا فوریه ۲۰۰۶)

تأثیر ناکافی فرامین اجرایی یک‌جانبه قبلی و حضور دیگر کشورها و شرکت‌ها در بازار تولیدی و صادراتی نفت ایران باعث شد که ایالات متحده به منظور مسدود کردن راه‌های دستیابی به سرمایه‌گذاری و فناوری جدید جهانی، تحریم متفاوتی را ذیل «قانون ایران و لیبی (ایلسا)» در جولای ۱۹۹۶، وضع کند. بر اساس این قانون، سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار (طی ۱۲ ماه) و همچنین کمک‌های فنی و مالی در بخش نفت و گاز ایران ممنوع شد. بُعد مهم و هوشمندانه این قانون، اثر ثانویه یا تسری آن به اشخاص ثالث (غیرآمریکایی) و فراسرزمینی کردن آن بود که مانعی جدی برای شرکت‌های نفتی بین‌المللی جهت مشارکت در طرح‌های ایران

ایجاد کرد (Congress, 1996: H.R. 3107). هر چند اتحادیه اروپا در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ با این قانون مخالفت و شرکت‌های اروپایی را از همراهی با این تصمیم منع کرد (EC No: 2271, 1996) و توافقی را با ایالات متحده در خصوص عدم شاملیت ایلسا بر اعضای اتحادیه در ۱۸ آوریل ۱۹۹۷ (EC 7362 Press 110, 1997) به انجام رساند، رئیس‌جمهوری آمریکا طی فرمان اجرایی «۱۳۰۵۹» در ۱۹ آگوست ۱۹۹۷، هرگونه صادرات، بازصادرات، فروش و ارائه مستقیم یا غیرمستقیم هر نوع کالا، خدمات و فناوری از ایالات متحده به ایران، حتی از طریق کشورهای ثالث را ممنوع و مشمول تمام اشخاص حقیقی و حقوقی که به نوعی با این کشور در ارتباط بودند نمود (Executive Order 13059, 1997). پیامد تصویب این قانون و فرامین اجرایی فرامرزی، توقف تولید و صادرات نفتی ایران روی ارقام سال ۱۹۹۶م. (۱۳۷۵ش.)؛ یعنی روزانه سه‌ونیم میلیون بشکه تولید و حدود دوونیم میلیون صادرات تا سال ۲۰۰۴م. (۱۳۸۳ش.) (Trading Economics, 1979-2020) و کاهش مشارکت شرکت‌های بزرگ نفتی غربی از طرح‌های نفت و گاز بود.

برابر گزارش ارائه شده به کنگره در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۷، از مجموع ۸۰ میلیارد دلار قراردادهای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶، تنها ۸,۴ میلیارد آن سهم شرکت‌های غربی، شامل «رویال داچ شل»، «توتال»، «انی» و «اشتات اوایل» بود (CRS Report, 2007). در ۲۷ جولای ۲۰۰۱، کنگره آمریکا قانون ایلسا را تا سال ۲۰۰۶ تمدید کرد؛ این بار نیز اتحادیه اروپا با این تصمیم مخالفت نمود (EU, 2001; IP/01/1162). ایران برای خروج از فشار تحریم‌ها، سعی در پیشبرد طرح‌های خود با مشارکت شرکت‌های غیر غربی کرد؛ به همین منظور در اکتبر ۲۰۰۴، توسعه میدان نفتی «یادآوران» به ارزش ۷۰ میلیارد دلار به دو شرکت «سینوپک»^۱ چین و «ONGC» هند سپرده شد (CRS Report, 2007). ترس از تعاملات نفتی با ایران در سایه تحریم‌های ثانویه، مقاصد صادراتی نفت ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد و لذا سهم واردات نفتی اروپا که در سال ۱۹۹۶م. حدود ۵۰ درصد کل صادرات نفت خام ایران بود، در سال ۲۰۰۳ به ۱۰

1. SINOPEC.

درصد و متقابلاً سهم صادرات به آسیا (غیر از ژاپن) از حدود ۲۷ به ۳۵ درصد رسید که نهایتاً در سال ۲۰۰۶، سهم دو بازار از نفت صادراتی ایران روی ۳۸,۵ درصد، برابر گشت (بانک مرکزی، ۱۳۸۵). علی‌رغم همه محدودیت‌ها، در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ م. (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ش.)، تولید و صادرات نفت ایران به بالاترین میزان خود در سال‌های پس از انقلاب یعنی ۴,۵ میلیون بشکه تولید و ۲,۷ میلیون بشکه صادرات رسید و درآمدهای ارزی هم تقریباً دو برابر قبل؛ یعنی به ارقام ۵۵ و ۶۵ میلیارد دلار بالغ گردید (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۸).

۴-۳. اجماع جهانی و تکمیل حلقه‌های تحریم (دسامبر ۲۰۰۶ تا جولای ۲۰۱۵)

افزایش تولید و روند روزافزون صادرات نفت ایران به کشورهای آسیایی؛ از جمله چین و هند (Eneken, 2012)، همراه با اوج‌گیری قیمت نفت و بالا رفتن چشمگیر درآمدهای حاصل از آن، ایالات متحده را مصمم کرد که تنها راه مؤثرسازی تحریم‌ها و منع دستیابی ایران به این منابع ارزی، مشارکت همه جانبه جامعه بین‌المللی در این اقدام است؛ مشارکتی که نیاز به یک دلیل قانع‌کننده داشت و آشکار شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۱۴ آگوست ۲۰۰۲، استدلال لازم را برای آن فراهم ساخت. طی چهار سال مذاکرات هسته‌ای ایران با «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»^۱ و قدرت‌های بزرگ، آمریکا تلاش کرد تا با بزرگ‌نمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نشان دادن آن در حد تهدید بین‌المللی، موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد بکشانند. ارجاع پرونده به شورای امنیت در ۸ مارس ۲۰۰۶، همراه ساختن جامعه بین‌المللی و قبولاندن ضرورت مقابله با این کشور (ایران) از طرق مختلف؛ از جمله قطع منابع مالی و ارزی، موفقیتی بود که طی قطعنامه‌های متوالی شورا گام به گام تبیین و اجرا شدند؛ مصوباتی که در کنار تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده نقشی تکمیلی و حمایت‌گونه داشتند.

بعد از بیانیه رئیس و قطعنامه هشدارآمیز «۱۶۹۶» شورای امنیت (جولای ۲۰۰۶)، در فاصله حدود یک سال و نیم، یعنی تا مارس ۲۰۰۸، محدودیت‌های

1. International Atomic Energy Agency (IAEA).

زیادی بر سرمایه‌گذاری؛ پشتیبانی فنی؛ انتقال فناوری؛ خرید و فروش اقلام و تجهیزات با کاربرد دوگانه و تبادلات مالی، بانکی و دلاری، طی قانون «منع اشاعه ایران، سوریه و کره شمالی» در ۱۳ اکتبر ۲۰۰۶ (Congress, 2006, Sec:3)، بخش ۳۱۱ قانون وطن پرستی (U.S Patriot Act, 2006, Sec:311) و قطعنامه‌های «۱۷۳۷»، «۱۷۴۷»، «۱۸۰۳» شورا برقرار شد. این محدودیت‌ها گرچه روزانه دویست هزار بشکه از تولید و صادرات نفت ایران کاستند، صعود ۲۰ دلاری قیمت نفت و رسیدن آن به حدود ۷۰ دلار (Statista, OPEC Oil Prices Av, 2020) مانع از احساس فشار شد. رقم تولید نفت روی ۴,۳۲۰ میلیون و صدور به ۲,۴۶۰ میلیون بشکه قرار داشت که چندان نگران کننده نبود، اما مشکل بزرگ‌تر، منع تبادلات بانکی و ممنوعیت استفاده از دلار بود که از اکتبر ۲۰۰۶ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا کلید خورد و معاملات دلاری ایران با بانک‌های جهانی را دچار مشکل کرد؛ مسئله‌ای که ایران برای مهار و دور زدن آن مجبور شد تا ارزهای دیگری از جمله «یورو» را جایگزین تبادلات خارجی خود از طریق تغییر ارز پایه از دلار به یورو نماید (ایسنا، ۱۳۸۵).

در سال ۲۰۰۹، سنای آمریکا فروش بنزین به ایران را طی مصوبه‌ای تحریم کرد که با توجه به واردات ۴۰ درصد بنزین مصرفی کشور از خارج، متحمل فشار زیادی بود (nytimes, 2009). در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹، کمیته نظارتی قطعنامه «۱۷۳۷»، سومین گزارش رسمی خود را طی سند شماره S/2009/688، حاوی اقدامات و گزارش‌های کشورهای شورا به شورای امنیت ارائه کرد. این گزارش در کنار گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ از جمله سند شماره GOV/2009/82، مورخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹، مبنی بر ادامه نگرانی‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، منتج به قطعنامه شدید «۱۹۲۹» در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ گردید. این قطعنامه را «قانون جامع تحریم ایران» موسوم به «سیسادا»^۱ در یکم جولای ۲۰۱۰ (Congress, CICADA, 2010) و تأییدیه قطعنامه «۱۹۲۹» در ۲۶ جولای ۲۰۱۰، توسط شورای اتحادیه اروپایی (The Official Journal of EU, 2010) تکمیل نمود که در مجموع محدودیت‌های شدیدی

1. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act (CICADA).

روی صنایع اکتشاف، استخراج، پالایش، حمل و نقل، تبادلات مالی و بیمه ای، تراکش های بانکی و همچنین فروش بنزین گذارد. فرمان «۱۳۵۷۴»، مورخ ۲۳ می ۲۰۱۱ و قانون اختیارات دفاع ملی^۱، مورخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ (Congress, NDAA, 2011) در خصوص محدودیت های صنایع نفت و گاز و نظام بانکی تکمیل کننده این روند بودند.

در نتیجه این محدودیت ها، تولید نفت ایران در سال ۲۰۱۱ به ۳,۷۴۰ میلیون بشکه در روز و صادرات آن به ۲,۱۲۰ میلیون بشکه رسید که افت ۶۰۰ هزار بشکه ای در تولید را نسبت به سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۸ نشان می دهد (Trading economics, 2005-2015). این بار نیز افزایش قیمت نفت به متوسط بشکه ای ۱۰۷ دلار، فشارهای تحریمی را متعادل کرد (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل: ۵۶). درآمد نفت در این سال به رقم بی سابقه ۱۱۸ میلیارد دلار رسید (بانک مرکزی، ۱۳۷۹ به قبل: ۴۶). سال ۲۰۱۲ سخت ترین سال تحریمی صنایع نفت و گاز و منع دسترسی درآمدهای نفتی ایران بود؛ چراکه طی فقط یک سال، هفت اقدام تحریمی شدید اجرا شد که عبارتند از:

۱. ۲۳ ژانویه _ تحریم اتحادیه اروپایی: اعلام ممنوعیت واردات، خرید و حمل و نقل نفت خام از ایران از ابتدای جولای ۲۰۱۲، ممنوعیت خرید مواد پتروشیمی، ممنوعیت سرمایه گذاری، انسداد دارایی های بانک مرکزی ایران، تحریم کشتی رانی، ممنوعیت تجارت طلا، الماس و فلزات گرانبها، ممنوعیت تحویل اسکناس (یورو) و مسکوک به ایران (The Official Journal of EU, 2012)؛

۲. ۵ فوریه _ صدور فرمان اجرایی «۱۳۵۹۹»: توقیف و انسداد دارایی های دولت و همچنین بانک مرکزی ایران در ایالات متحده و محدوده تحت صلاحیت آن؛

۳. ۱۵ مارس _ قطع شبکه پیام رسان بانکی موسوم به «سوئیفت»^۲ (SWIFT, 2012)؛

1. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012.

2. Society for Worldwide Interbank Financial Telecommunication.

۴. ۳۰ جولای _ صدور فرمان اجرایی «۱۳۶۲۲»: اعمال تحریم‌های بیشتر بر شرکت ملی نفت ایران، صنعت نفت، گاز، خطوط لوله و پرداخت‌های مالی آنها و تحریم شرکت ملی نفتکش شامل ۵۸ کشتی آن (Executive Order 13622, 2012)؛

۵. ۱۰ آگوست _ تصویب قانون کاهش تهدیدات حقوق بشری ایران (و سوریه)^۱: بسط تحریم بانک‌های خارجی مرتبط با بخش‌های انرژی ایران و رصد صادرات و واردات نفت خام، ممنوعیت مبادله نفت خام در برابر کالا، تلاش برای بستن مسیرهای دور زدن تحریم، درخواست برای همراهی اعضای ملل متحد در تحریم‌ها، درخواست برای افزایش تولید نفت کشورهای دیگر برای جبران کمبود نفت ایران و کمک به کاهش وابستگی مصرف کنندگان نفت ایران به واردات از این کشور (Congress, Human Rights, 2012)؛

۶. ۹ اکتبر _ صدور فرمان اجرایی «۱۳۶۲۸»: اجرای تحریم‌های خاص به منظور کاهش تهدیدات ایران و نقض حقوق بشر در سوریه و تحریم‌های بیشتر علیه ایران شامل توقیف اموال، انتقال، تبادل، تبدیل ارز، خرید و فروش و انتقال فناوری؛

۷. ۱۴ دسامبر _ تصویب قانون اختیارات دفاع ملی سال ۲۰۱۳: تحریم تمام مؤسسات فعال در تأمین کالا و خدمات مورد نیاز بخش نفت و انرژی، شرکت ملی نفتکش، کشتی‌رانی و بندری ایران، منع تأمین فلزات نیمه آماده، تحریم بانک مرکزی، مؤسسات مالی و بانکی ایران، ممنوعیت صادرات نفت به شرکای تجاری آمریکا، تحریم خریداران نفت و فرآورده‌های نفتی ایران (Congress, NDAA, 2012).

در نتیجه این اقدامات؛ تولید نفت در سال ۲۰۱۴ به ۳,۰۶۰ میلیون بشکه و صادرات به ۱,۶۶۰ میلیون بشکه رسید که نسبت به سال ۲۰۱۱ مجدداً افت ۷۰۰ هزار بشکه‌ای را تجربه کرد (Trading Economics, 2005-2015). با کاهش قیمت نفت به متوسط بشکه‌ای ۹۶ و سپس ۴۹ دلار، درآمدهای ارزی به حدود نصف؛

1. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012.

2. National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013.

یعنی ۵۵,۴۰۶ میلیارد دلار سقوط کرد. این در حالی بود که ایران به دلیل تحریم تعاملات بانکی، قطع سوئیفت، عدم امکان نقل و انتقال یورو و منع خرید طلا و فلزات گرانبها، امکان انتقال وجوه حاصل از فروش نفت به داخل کشور را که به صورت معمول در بانک‌های بین‌المللی واریز و نگهداری می‌شد از دست داد، اما ایران در چاره‌جویی برای کم اثر کردن تحریم و جبران مشکلات صدور و فروش و انتقال ارز، روی تهاثر نفت در برابر کالا و مبادله ارزهای ملی؛ از جمله ریال تمرکز کرد (اعتماد، ۱۳۹۳). این تلاش نیز طی فرمان «۱۳۶۴۵» مورخ سوم ژوئن ۲۰۱۳ با ممنوع شدن مبادلات با ریال از بین رفت (Executive Order 13645, 2013). این فشارها تا زمان امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)^۱ در ۱۴ جولای ۲۰۱۵، ادامه داشت و تنها بعد از اجرایی شدن این موافقت‌نامه بین ایران و گروه «۵+۱»^۲ به مدت کمتر از سه سال، تحریم‌های صرفاً مرتبط با موضوع هسته‌ای از سوی شورای امنیت، ایالات متحده و اتحادیه اروپایی لغو شدند.

۴-۴. یک‌جانبه‌گرایی مؤثر در سایه تحریم‌های هوشمند شده (ژوئن ۲۰۱۸ تا آگوست ۲۰۲۰)

نارضایتی دونالد ترامپ _ رئیس جمهور آمریکا _ از امضای برجام، منجر به خروج دولت او از این موافقت‌نامه در ۸ می ۲۰۱۸ شد. وی با صدور فرمان «۱۳۸۴۶» در ۶ آگوست ۲۰۱۸، بازگشت تمامی تحریم‌های برداشته شده از محل اجرای برجام را ظرف ۱۸۰ روز اعلام کرد و به تمامی کشورها برای قطع همکاری با ایران تا ۵ نوامبر ۲۰۱۸ فرصت داد (White House, JCPOA, 2018). این فرمان همانند فرامین قبلی یک سند داخلی بود، اما برخی فاکتورها باعث شدند تا اثر این تصمیم یک‌جانبه در اندازه‌ای جهانی نمود یافته و سختی بی سابقه‌ای را بر اقتصاد ایران تحمیل کند، به طوری که از زمان اجرایی شدن آن، تولید نفت ایران به کمتر از ۲,۳۵۰ میلیون بشکه رسیده و برای صادرات نیز ارقامی تا یک میلیون اعلام می‌شود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸)؛ از جمله این فاکتورها عبارتند از:

1. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA).
2. Britain, China, France, Russia, U.S+Germany.

۱. دسترسی به اطلاعات و گزارش‌های «کمیته نظارت ۱۷۳۷» شورای امنیت از رصد نُه سال تعاملات کشورها با ایران؛
 ۲. تحلیل‌ها و راهکارهای پِنل کارشناسان «قطعه‌نامه ۱۹۲۹»؛
 ۳. نظام‌یافتگی دقیق مراکز نظارتی داخلی مثل وزارت خارجه، اوفک، سیا و مرکز تحقیقات کنگره؛
 ۴. تطبیق بازار بین‌المللی نفت و پالایشگاه‌های جهانی به نبود نفت ایران در طول زمان؛
 ۵. ظرفیت‌سازی نفتی و هیدروکربوری در سال‌های تحریم برای مصرف‌کنندگان نفت و گاز از طریق پیگیری طرح‌های کلان نفت و گاز؛
 ۶. جدا کردن مشتریان سنتی نفت ایران از این کشور؛
 ۷. لغو معافیت خریداران نفت ایران از سوی ایالات متحده؛
 ۸. استفاده از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، رسانه‌ای و تکنولوژیک برای ایجاد ترس عمومی از تجارت و کار با ایران.
- در نتیجه، درآمدهای نفتی با توجه به کاهش قیمت نفت، به‌طور چشمگیری کم و ارقامی بین سالیانه ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار اعلام شده است (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۸). هر چند اتحادیه اروپایی، اقدام آمریکا را در خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها رد کرده و با ایجاد سازوکارهایی مانند «اینستکس»^۱ خواهان تعامل با ایران بوده است، عملاً ترس ناشی از تنبیهات و جریمه‌ها مانع از همکاری شرکت‌های بین‌المللی با ایران شده است. نمونه آن خروج شرکت نفتی "توتال فرانسه" (یورونیوز فارسی، ۲۰۱۸) و سپس شرکت ملی نفت چین از پروژه فاز ۱۱ پارس جنوبی یا امتناع شرکت‌های چینی و هندی از خرید نفت ایران است (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۸). دونالد ترامپ هم در ۲۲ آوریل ۲۰۱۹، اعلام کرد که اقدامات خود را تا صفر کردن صادرات نفت ایران ادامه خواهد داد (Whitehouse, Brifing, 2019).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ویژگی‌های اقتصاد رانتیر و نیازهای آن مرکز

1. INSTEX.

ثقل تحریم‌ها بوده و اقدامات انجام شده به‌صورت مرحله‌ای و هوشمندانه برای قطع دسترسی به درآمدهای رانتی نفت جهت اعمال فشار و اثرگذاری بیشتر طراحی شده‌اند. اطلاع از اهمیت نقش درآمدهای نفتی در بودجه و هزینه‌های داخلی، این امکان را برای واضعان تحریم فراهم کرد تا فشاری چندوجهی وارد و ضمن محدود کردن منابع ارزی مورد نیاز ایران برای کنترل سیاست‌های به‌اصطلاح غیرمطلوب، روی اقتصاد داخلی نیز اثر بگذارند. تکیه بیش از ۴۶ درصدی درآمدهای بودجه‌ای بر نفت، عملاً موجب شده است که در نتیجه هر نوسانی بر درآمدهای نفتی، بسیاری از بخش‌های مرتبط؛ از جمله بودجه، ارائه یارانه‌ها (پنهان و آشکار)، ارائه خدمات عمومی ارزان، مشارکت در بازار ارزی جهت تقویت ارزش پول ملی، تخصیص بودجه‌های عمرانی، ارقام تولید ناخالص داخلی، سرانه ملی و سهم صادرات غیرنفتی دچار تغییر و مشکل گردد.

۵. آسیب‌پذیری اقتصاد رانتیری

بررسی عناصر اقتصاد رانتیر و تحریم‌های هوشمند نشان داد که چقدر این دو از یکدیگر اثر گرفته و فرآیندی مکمل را به‌منظور مؤثر کردن فشارها و اهداف تحریمی داشته‌اند. نکته‌ای که برخی مورد تردید قرار داده‌اند اینست که اگر اقتصاد ایران رانتیر نبود، تحریم آن ممکن نبوده و یا اثر نداشت، اما آیا واقعاً چنین است؟ بدین‌منظور نگاهی اجمالی در دو سطح از مسئله کمک کننده خواهد بود؛ ۱. مسیر کسب درآمد خارجی از فروش محصول رانتی و ۲. شیوه هزینه‌کرد این درآمدها.

نخست اینکه، تک محصولی بودن اقتصاد رانتی و ویژگی‌های بازار فروش و انتقال درآمدها به دلیل خاص و عمده بودن مسیر اقدامات به‌راحتی قابل شناسایی و رهگیری است. برعکس، در یک اقتصاد غیر رانتی، محصولات صادراتی متنوع، دارای بازار گسترده و درآمدها با مسیرهای دریافتی مختلف هستند. ایجاد محدودیت خرید و فروش، سرمایه‌گذاری و فناوری بر یک محصول، با ارقام تجاری بزرگ، از گذاردن همین محدودیت‌ها بر روی صدها قلم کالای تجاری که در مقادیر و مشخصات کمتر طبقه‌بندی می‌شوند منطقی‌تر است.

دوم، شیوه هزینه‌کرد این درآمدها در اقتصاد رانتی است که اثرپذیری را بیشتر

می‌کند. تأمین تقریباً نیمی از درآمد بودجهٔ سالیانه کشور از محل رانت، باعث می‌شود تا هر گونه نوسانی در میزان آن، مستقیماً بر بخش‌های مختلف اقتصادی اثر بگذارد. در حالی که این امر بر اقتصادهای غیر رانتیر که بودجه آنها اتکای چندانی به محصولی خاص و فروش آن ندارد، چندان آسیبی نخواهد زد؛ مثلاً شاخصه‌های اقتصاد ترکیه به عنوان یک اقتصاد غیر رانتی که شباهت‌های زیادی به ایران دارد، نشان می‌دهد که این کشور ۸۲ میلیونی (جمعیت)، در سال ۲۰۱۷ حدود ۸۵۲ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی (بر اساس نرخ رسمی)، ۱۶۶ میلیارد دلار صادرات، ۱۷۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی، ۱۷۲ میلیارد دلار درآمدهای مصوب بودجه و هیچ سهمی از صادرات مواد هیدروکربوری داشته است (Factbook, 2017). در حالی که ایران با جمعیت مشابه، ۴۴۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی (Worldbank, 2017)، حدود ۱۰۵ میلیارد دلار صادرات (شامل ۶۵,۸۰۰ میلیارد دلار صادرات نفتی)، ۲۷,۵۸۰ میلیارد دلار درآمد مالیاتی (با نرخ ۴۲۰۰ تومان مصوب قانون بودجه) و ۹۴ میلیارد دلار درآمد مصوب بودجه داشته است (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۶).

مقایسه‌ای گذرا نشان می‌دهد اقتصاد کشوری مانند ترکیه به دلیل صادرات فراوان و متعدد، وابسته نبودن به یک کالای خاص، عدم تکیه بودجه‌ای به درآمدهای ارزی خارجی و البته تأمین تام با مالیات؛ در شرایط مشابه، آسیب‌پذیری کمتری از تحریم خواهد داشت؛ هر چند نمی‌توان با وجود شیوه‌ها و ابزار پیشرفتهٔ امروزی، آن را غیر قابل تحریم دانست، مطمئناً اقتصاد رانتی در مقابل تحریم صدمه‌پذیرتر بوده و شرایط را برای مؤثرسازی آن فراهم‌تر می‌کند. نکتهٔ دیگر اینکه اقتصادهای رانتی به دلیل هزینه‌کرد رانت از سوی دولت، ساختار اقتصادی دستوری دارند که در چنین شرایطی، بخش خصوصی توانمند و مولد که محرک اصلی رشد و بالندگی اقتصادی است شکل نگرفته و رویکردی ویژه‌خوارانه و وابسته به خود می‌گیرد؛ لذا در زمان فشار و محدودیت، قادر به تأمین نیازهای کشور نخواهد بود. به همین دلیل است که بسیاری از کشورها مانند فرانسه که تا دو دههٔ پیش حمایت‌های فراوان دولتی از اقتصاد داشتند،

سیاست‌های خود را بر کاهش حمایت‌های دولتی و مستقل‌سازی اقتصادی قرار دادند (The French Economy, 2000).

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به آزمون این فرضیه پرداخت که رانتی بودن اقتصاد ایران تحریم‌ها را هوشمند و اثرگذارتر کرده است. بدین منظور ویژگی‌های اقتصادی ایران از بُعد رانتیری و وابستگی بیش از ۴۰ درصدی این ویژگی‌ها به درآمدهای نفتی تبیین و مراحل هوشمندسازی تحریم‌ها در سه سطح جغرافیایی، نهادهای نظارتی و کنترلی و موضوعی تشریح شد. در نهایت رابطه اقتصاد رانتیر و تحریم‌ها به‌عنوان متغیرهای اصلی ارزیابی گردید و طی چهار مرحله نشان داده شد که ویژگی‌های این دو متغیر چگونه در محیطی کنشی و واکنشی، این ساختار را شکل داده‌اند؛ مراحل که نخست در وجهی یک‌جانبه، خرید نفت و حمایت لجستیک و فنی آن از سوی آمریکا را قطع و ایران را با کاهش ۷۰۰ هزار بشکه‌ای صادرات و مشکل تأمینات فنی مواجه کرد. سپس برای حفظ فشار اولیه و بستن راه دستیابی ایران به بازارها و مشتریان دیگر، در سال ۱۹۹۶ بُعدی فراسرزمینی یافته و برای شرکت‌های ثالث (غیرآمریکایی) جریمه و محدودیت وضع گردید. در گام سوم و به قصد بستن مسیرهای دسترسی و همه‌جانبه نمودن تحریم‌ها، استفاده از ابزار شورای امنیت در دستور قرار گرفت. در نهایت با استفاده از ابزار، تجارب و روندهای ایجاد شده، دگربار تحریم‌های یک‌جانبه برقرار شد.

در این دوران دو مقطع زمانی قابل توجه است؛ نخست، سال ۲۰۱۲ که ده‌ها فصل تحریمی؛ از جمله منع خرید، فروش، حمل و نقل، بیمه‌های نفتی، بانکی، سوئیفت، تبادلات یورویی، خرید طلا و فلزات گرانبها و ... از سوی شورای امنیت، آمریکا و اروپا در وسعتی جهانی اعمال و در نتیجه صادرات نفت ایران را در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به حدود یک‌ونیم میلیون بشکه در روز و درآمدهای نفتی را در حالی که قیمت نفت روی یک‌صد دلار بود به نصف سال‌های قبل رساند. دوم، در سال ۲۰۱۸ که با بازگشت تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و در سایه استفاده این کشور از ابزارهای تحریمی متعدد، تنبیهات جدی ثانوی و تجارب و

فضاسازی قبلی علیه ایران، بیشترین و مؤثرترین فشارها اعمال شد و عایدی نفتی را به زیر ۱۰ میلیارد دلار رساند و دارایی‌های این کشور را حتی در عمده شرکای تجاریش، مثل کره جنوبی، از دسترس خارج کرد.

آنچه مهم است، اینکه تحریم‌ها در روندی کاملاً حساب شده، جلوگیری از کسب درآمدهای مالی اقتصاد رانتی ایران را هدف داشتند و شاخصه‌های اقتصاد رانتی نقشی اساسی در چینش، هوشمندی و اثرپذیری تحریم‌ها ایفا کرده‌اند. این اثرپذیری چنان بوده که یکبار در سال ۲۰۱۳، ایران را در مسیر مذاکره و نهایتاً حل مناقشه هسته‌ای با شش قدرت جهانی در سال ۲۰۱۵ قرار داد و بار دیگر، در سی‌امین ماه خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها (که گفته می‌شود حتی نمی‌توان یک قطره نفت فروخت)، در شرایطی سخت و بی سابقه، منتظر تحولات ناشی از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده است. انتظاری که دوباره به دنبال رفع شرایط حاد سیاسی و اقتصادی و عادی‌سازی چرخه تولید و فروش نفت است تا بتواند فشارهای ناشی از نبود رانت را جبران و در صورت تحقق، آغازگر چرخه آسیب‌پذیر دیگری باشد.

منابع

- اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی. «خلاصه تحولات اقتصادی کشور (گزارش سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸)». تهران.
- https://www.cbi.ir/SimpleList/AnnualReview_fa.aspx
- اعتماد (۱۳۹۳/۰۹/۲۰). «فقط تهاثر کالا داریم نه نفت». کد خبر: ۳۱۳۰.
- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۸/۰۲/۰۷). «عضو کمیسیون انرژی مجلس: چین و هند برای دریافت امتیاز بیشتر نفت ایران را نمی‌خرند». کد خبر: ۳۴۹۳۵۴.
- ایسنا (۱۳۸۵/۱۰/۰۱). «مصوبه دولت برای جایگزینی یورو به جای دلار». کد خبر: ۰۰۳۲۰-۸۵۱۰.
- بانک مرکزی. «خلاصه تحولات اقتصادی کشور (گزارشات سال‌های ۱۳۷۹ به قبل)». پایگاه مجلات تخصصی نور. تهران. <https://www.noormags.ir/view/fa>
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸/۰۱/۲۸). «صادرات ماهانه نفت ایران به پایین‌ترین رقم در ۲۰۱۹ رسید». کد خبر: ۷۴.
- دنیای اقتصاد (۱۳۹۹/۰۳/۳۰). «میزان صادرات نفت در سال ۹۸». کد خبر: ۳۶۶۴۴۸۳.
- سامانه قوانین و مقررات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «قوانین بودجه کل کشور». سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸.
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریم‌ها. ترجمه: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. و ۲. ص ۹.
- یورونیوز فارسی (۲۰ آگوست ۲۰۱۸). «توتال رسماً از ایران خارج شد».
- Average annual OPEC crude oil price from 1960 to 2020, Published by N. Sönnichsen, Sep 25, 2020.
- Beblawi, H. & Luciani, G. (1987), *the Rentier State*, Routledge Taylor & Francis Group, London and New York. P: 12-13.
- Sheet, F. Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act (CISADA).
- CRS Report for Congress on Iran Sanctions Act (2007), Code RS20871 Updated October 12, 2007, p. 6.

- Donald J. Trump Is Working to Bring Iran's Oil Exports to Zero. White House. Foreign Policy. Issued on: April 22, 2019.
- Drezner, D. W. (2003). How smart are smart sanctions?.
- ENDING, P. D. J. T. I. (2018). United States Participation in an Unacceptable Iran Deal. *The White House*, 8.
- EU regrets extension of US sanctions law against Iran and Libya, Brussels, 31 July 2001, IP/01/1162.
- Executive Order 12205 of Apr. 7, 1980, appear at 45 FR 24099, 3 CFR, 1980 Comp., p. 248 .
- Executive Order 13059 of August 19, 1997, Federal Register/ Vol. 62, No. 162.
- Executive Order 13622 of July 30, 2012. Federal Register/ Vol. 77, No. 149.
- Executive Order 13628 of October 9, 2012, Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act of 2012 and Additional Sanctions With Respect to Iran, EO 13628.
- Executive Order 13645 of June 3, 2013, Iran Freedom and Counter-Proliferation,. Federal Register/ Vol. 78, No. 108, Presidential Documents, 33945.
- Financial Crimes Enforcement Network, Section 311 of the USA PATRIOT Act (2006), 31 CFR Chapter X, Department of the Treasury, p.6.
- Gordon, J. (2010). Smart Sanctions on Iran are Dumb. Foreign Policy in Focus Org, September 9.
- Helms,B. and D'AMATO. *Council Conclusions* (1997), Brussels, 7362/97 (Press 110), C/97/110.
- Iran and Libya Sanctions Act of 1996, 104th Congress (1995-1996), H.R. 3107.
- Iran threat reduction and Syria human rights act of 2012, public law 112–158—AUG. 10, 2012, 112th Congress, H.R. 1905, 126 STAT. 1214.
- Kaempfer, W. H., & Lowenberg, A. D. (1992). *International economic sanctions: A public choice perspective*. Westview press.
- Kirshner, J. (1997). The microfoundations of economic sanctions. *Security Studies*, 6(3), 32-64.
- Mahdavy, H., & Cook, M. A. (1970). The patterns and problems of economic development in rentier states: The case of Iran. *life*, 1000(1).
- National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2012, PUBLIC LAW 112–81—DEC. 31, 2011, 112th Congress.
- National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2013, PUBLIC LAW 112–

- 239—JAN. 2, 2013 112th Congress.
- Park, J. (2014). Land rent theory revisited. *Science & Society*, 78(1), 88-109.
- Protecting against the effects of the extra-territorial application of legislation (1996), Regulation (EC) No 2271/96.
- Resolution 1737 (2006), S/RES/1737, Adopted by the Security Council at its 5612th meeting.
- Resolution 1929 (2010), S/RES/1929, Adopted by the Security Council at its 6335th meeting.
- Restrictive Measures Against Iran and Repealing Common Position 2007/140/CFSP, EU Council Decision, 26 July 2010, Official Journal of the European Union, L 195/39.
- Restrictive Measures against Iran, Council Decision 2012/35/CFSP of 23 January 2012, Official Journal of the European Union, L 19/22.
- Statista, World Data Inc, 55 Broad Street; 30th floor, New York, NY 10004, United States.
- Trading Economics, Iran oil production and export; 1979-2020.
- The French Economy, BRIEFING ECON 504 EN, (2000), Directorate General for Research, European Parliament, Luxembourg, 7 July 2000, PE 292.480.
- The New York Times (1979), Nov. 13, CARTER BARS IRANIAN OIL.
- The World FACTBOOK Archive. Library, Publications, Turkey, 2017-2019.
- To promote nuclear nonproliferation in North Korea, Congress Act (2006), Public Law 109–353, 109th Congress, Sec:3.
- Trends in Oil Supply from Iran (2012). The Institute of Energy Economics, Japan, June 2012.
- UN Documents for Iran: Security Council Resolutions (2006-2015).
- Sanger, D. E. (2009). ‘US Weighs Iran Sanctions If Talks Are Rejected. *New York Times*, August, 2.
- World Bank, Data; Iran, Islamic Republic, GDP (current US\$), 2017.
- <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.CD?locations=IR>